

بررسی تنگناها و موانع توسعه گردشگری در مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهرستان زهک)

سامان حیدری^۱، سید خلیل سید علی پور^۲، باقر احمدی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۲۲

چکیده

گردشگری در مناطق مرزی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که می‌تواند این مناطق را از انزوای جغرافیایی بیرون براند و به اصطلاح از حاشیه به درون متن سوق دهد. همچنین می‌تواند اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روش زندگی ساکنان این مناطق را دگرگون سازد. با این وجود در ایران، هنوز از پتانسیل‌های بالای گردشگری مناطق مرزی، جهت نیل به توسعه پایدار بهره‌برداری نشده است.

هدف از تحقیق حاضر، بررسی موانع توسعه گردشگری شهرستان مرزی زهک می‌باشد. روش انجام تحقیق، توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربری است. جامعه نمونه نیز سه گروه می‌باشد. گروه اول، سرپرستان خانوارهای این شهرستان هستند که با توجه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعداد ۱۲۵ خانوار در این گروه انتخاب شد. گروه دوم، کارشناسان و مسئولان شهری هستند که ۱۲ نفر از ایشان، با روش نمونه‌گیری هدف‌مند به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. گروه سوم، گردشگران هستند که تعداد ۴۰ نفر، با استفاده از نمونه‌گیری غیر احتمالی ساده و آسان، به عنوان نمونه انتخاب گردید و پرسش‌نامه‌ها میان آن‌ها توزیع شد. سپس برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل عاملی به کمک نرم‌افزار SPSS و Excel 2010 بهره برده شد. نتایج عمده چالش‌های توسعه گردشگری در محدوده مورد مطالعه، به ترتیب اولویت عبارتند از: اجتماعی- فرهنگی ۸۱.۸٪، اقتصادی ۷۸٪، کالبدی- فیزیکی ۷۷٪، مدیریتی و برنامه‌ریزی ۷۴٪ و جغرافیایی و محیطی ۶۸٪. در نهایت، جهت بهبود و توسعه صنعت گردشگری شهرستان زهک پیشنهادهایی ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه، گردشگری، مناطق مرزی، شهرستان زهک.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی

۳. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

صنعت گردشگری، به جهت فشردگی زمان و مکان جغرافیایی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و رو به رشدترین فعالیت‌های اقتصادی دهکده جهانی معرفی شده است. در اغلب کشورهای جهان و به ویژه کشورهای در حال توسعه - با در نظر گرفتن بحران‌هایی همچون نرخ بالای بیکاری، منابع مالی محدود و اقتصاد تک محصولی - در زمره بارزترین و مهم‌ترین سیاست‌های توسعه جای گرفته است. هم‌اکنون، این صنعت، سومین صنعت بزرگ جهان بعد از نفت/گاز و وسایل الکترونیکی) به شمار می‌آید (WTTC, 2012b) و ۹/۵ درصد تولید ناخالص جهانی و ۸/۹ درصد اشتغال جهانی (۲۶۵,۸۵۵,۰۰۰ شغل) (WTTC, 2014: 6) را به خود اختصاص داده است. تعداد گردشگران بین‌المللی در حال رشد است و از ۲۷۷ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ به ۹۸۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۱ فزونی یافته و سالانه ۴۳ میلیون نفر نیز به آن اضافه می‌گردد (WTTC, 2012a: 9). واکاوی تجارب جهانی در زمینه توسعه گردشگری، بیان‌گر این است که مدیریت و برنامه‌ریزی شایسته این صنعت نه تنها موجب خلق فرصت‌های شغلی فراوان و افزایش درآمد کشورهای گشته (Sharpley, 2000: 1-9, Smith, 1989) بلکه می‌تواند نقش چشم‌گیری در راستای نیل به توسعه پایدار ایفا نماید. از سوی دیگر نیاز به سرمایه‌گذاری اندک جهت تولید سرمایه مالی در این صنعت (Robinson, 1999) موجب شده تا به عنوان یکی از مناسب‌ترین راهبردهای توسعه - در مناطقی که به دلایل اقتصادی فقر و بیکاری وجود دارد - مورد توجه واقع شود (Ashley et al, 2006).

بر اساس گزارش WTO تعداد گردشگران جهان، سالانه ۳/۴ درصد رشد دارد و در سال ۲۰۲۰ به ۱/۶ میلیارد نفر خواهد رسید. در همین زمان، هزینه‌های گردشگران در

سرتاسر جهان با رشد سالانه ۶/۷ درصد، به ۲ تریلیون دلار می‌رسد (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). لويس ترنر، گردشگری را امیدبخش‌ترین و پیچیده‌ترین صنعتی می‌داند که جهان سوم با آن روبه‌روست و معتقد است گردشگری بیشترین قابلیت را جهت جانشینی برای صنایع درآمدزا دارد (الوانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۸). توسعه صنعت گردشگری، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه - که با معضلاتی همچون میزان بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک‌محصولی مواجه هستند - از اهمیت فراوانی برخوردار است (بهروز، ۱۳۹۲: ۲). با این وجود، کشور ایران با تمدنی چندین هزارساله و با قرار گرفتن در بین ۱۰ کشور نخست جهان از نظر جاذبه‌های گردشگری، به لحاظ توسعه گردشگری چندان موفق عمل ننموده و جذب تنها ۴/۷ میلیون گردشگر خارجی و حضور در رده ۴۸ جهان از نظر جذب گردشگر خارجی (UNWTO, 2014) گواهی روشن بر این امر است؛ در حالی که برنامه‌ریزی، مدیریت و توسعه گردشگری در کشوری همچون ایران و به‌ویژه شهرهای آن که با چالش‌های عدیده‌ای همچون جوانی جمعیت، فقر و نابرابری، حاشیه‌نشینی، نرخ بالای بیکاری، اقتصاد تک‌محصولی و ... مواجه است، امری اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، پژوهش حاضر، با انتخاب شهرستان زهک به عنوان منطقه‌ای با پتانسیل‌های بالقوه بالا و جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی و ساخته‌شده فراوان، به واکاوی موانع توسعه صنعت گردشگری می‌پردازد و در نهایت راهبردها و راهکارهایی را برای برون‌رفت از این وضعیت پیشنهاد می‌دهد.

مبانی نظری

نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر و مناطق مرزی

شهرهای مرزی، با توجه به نظریه کریستالر در مورد مناطق مرکزی، دارای ویژگی‌های

خاصی هستند؛ زیرا این شهرها در لبه و کناره استان‌ها به صورت منفرد و منزوی به لحاظ اقتصادی و فضایی قرار گرفته‌اند. از جمله ویژگی‌های این شهرها میزان تأثیرپذیری بسیار کم است (Sermak, 2007: 82). این شهرها به لحاظ اقتصادی، شکننده و ضعیف هستند، زیرا مرزهای ملی و کشوری سبب قطع شدن و حذف شدن مناطق وابسته خواهد بود. شهرهای مرزی، مناطقی وابسته، محدود و همراه با توسعه کم هستند.

رشد و رونق فعالیت‌های تجاری و بازرگانی در مرزها یا مناطق مرزی، تأثیرات مثبت و بسزایی در توسعه شهرهای مرزی خواهد داشت. حمل و نقل مرزی، اغلب سبب ایجاد رابطه میان شهرهای همسایه و مجاور می‌شود. علی‌رغم این که شهرهای مرزی جزو مناطق مستقل و برخوردار نیستند، اما به دلیل در آمد ناشی از داد و ستد یا ذخیره‌سازی کالا، دارای اهمیت فراوانی هستند (Hansen, 1975: 826). البته کریستالر میان مناطق مرکزی در مناطق مرزی متزلزل و مناطق مرزی تثبیت‌شده، تمایز قائل است؛ زیرا در مناطق مرزی تثبیت‌شده، حمل و نقل مرزی و تجارت کالاهای اساسی، موجب رونق و توسعه شهرها خواهد شد.

نظریه مکان مرکزی و مناطق مرزی

گیرش مدل فضایی ویژه‌ای را جهت بررسی ویژگی‌های مکانی مرزهای سیاسی ارائه کرده است. مدل وی، دشت بسیار وسیعی را در نظر می‌گیرد که در آن هزینه‌های حمل و نقل بستگی به مسافت دارد. این دشت، فضای دایره‌ای شکلی است که با کویر احاطه شده است. به نظر گیرش، کویر قوی‌ترین جایگزین ممکن برای مرزهای کشور است و مانعی در برابر تجارت‌های بین‌المللی است. علاوه بر این، فرض بر این است که منابع طبیعی، جمعیت و واحدهای تولیدی نیز به‌طور یکسانی در تمامی مناطق توزیع شده-

اند.

از برخی جهات، نظریهٔ گیرش همان مدل طرح‌شده از سوی فون تونن در مورد واحد اقتصادی است. تفاوت آن‌ها در آن است که به نظر گیرش، رشد سرمایه، عاملی پویا و مؤثر است (Hansen, 1977: 52). او معتقد است هرچه هزینهٔ حمل و نقل یک کالا کمتر و میزان تولید کلان داخلی بیشتر باشد، مناطق اقتصادی بزرگ‌تر خواهند بود. در آن صورت تعداد کمتری از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، گرایش به مناطق نزدیک مرز خواهند داشت. برای هر کالا و جنس، شبکه‌ای از بازارها وجود خواهد داشت؛ اما سیستم کلی شبکه‌ها در نقاط مرکزی، نسبت به سایر نقاط فشرده‌تر خواهد بود. در نتیجه، به محض رشد سرمایه، اقتصاد داخلی و خارجی به عنوان دو عامل به هم پیوسته، سودآوری مناطق مورد نظر را افزایش می‌دهند، مراکز تجمعی پدیدار می‌شوند و توزیع فضایی فعالیت‌های اقتصادی به شکل مخروطی درمی‌آید. در مقابل، حذف عامل مرز در راستای یکسان‌سازی اقتصادی، سبب ایجاد گرایش به فعالیت‌های اقتصادی در مرکز فضا خواهد شد. از میان برداشتن مرزها در برابر تجارت و جنبش‌های درون اروپایی، سبب تضعیف تأثیر پراکندگی و شکل‌گیری تمرکز خواهد بود. به دلیل ویژگی‌های مکانی و سایر عوامل خاص، شهرهای واقع در مناطق مرزی را می‌توان دروازه نامید. این مناطق، جزو شهرهایی هستند که میان دو منطقه با حجم‌های متفاوت سرمایه‌گذاری رشد کرده‌اند. این شهرها به دلیل ساختار فیزیکی خاص خود، همانند عوامل ارتباطی میان کشورها و مناطق عمل می‌نمایند. شهرهای مرزی، دروازه‌ها، چهارراه‌ها و یا مراکز کنترلی هستند که ورود و خروج یک کشور یا منطقهٔ خاص را هدایت می‌نمایند. از مهم‌ترین ویژگی‌های شهرهای مرزی، حجم بالای حمل و نقل و عمده‌فروشی آن‌ها است (موسوی و زنگی آبادی، ۱۳۹۰: ۲۹).

نظریه قطب رشد و مناطق مرزی

نظریه قطب رشد که پرو (۱۹۵۵) ارائه کرده است، بر وجود نابرابری‌های بین‌المللی و بین منطقه‌ای به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از روند رشد و توسعه تأکید دارد. طبق نظر وی، رشد به طور همزمان در همه جا ظاهر نمی‌شود، بلکه در قطب‌ها یا مراکز خاص ظاهر شده و سپس از طریق فعل و انفعالاتی خاص، آثار نهایی خود را بر کل مناطق نمایان می‌سازد (موسوی و زنگی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۰). از میان تمامی مفاهیمی که برای توسعه فضایی مطرح شده است، قطب رشد‌گیری و استفاده بیشتری در ادبیات توسعه داشته است؛ ضمن این که مفاهیم متعدد و غیر همسانی برای این واژه به کار گرفته شده است. تکوین این نظریه را می‌بایست در درک اهمیت فضا، در توسعه منطقه‌ای پیگیری کرد. رشته‌های جغرافیای اقتصادی و اقتصاد فضا، پیش از دیگر رشته‌ها به این درک کمک کرده‌اند (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۰۹-۱۱۰). تشخیص یک قطب توسعه ناقص در نبود اثرات گسترشی از مراکز شهر هسته‌ای به مراکز شهری دورافتاده یا مجاور، ممکن است در ابتدا یک نقطه مفید جهت آغاز تجربه و تحلیل مناطق مرزی باشد. اما این نقطه دقیقاً جایی است که سیاست‌های مرکزی رشد، مرتباً در اندازه‌گیری آن در حد انتظار شکست خورده‌اند؛ حتی در جاهایی که رشد در مرکز انتخابی القا شده، تأثیرات گسترشی معمولاً وجود نداشته یا کم‌وبیش قابل پیش‌بینی است. دلیل اصلی این است که ارتباطات اقتصادی از نظر فضایی خیلی پراکنده هستند. آن‌ها عمدتاً موضوع یک مرکزی نیستند و مناطق دورافتاده آن یا حتی فرآیند بازدارنده منظم از مراکز سطوح بالا به پایین در سلسله مراتب شهری نمی‌باشند (Pried, 1978: 4-76).

نظریه مرکز-پیرامون و مناطق مرزی

این مدل نظام فضایی را به دو بخش مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند و شکل‌گیری این روند را ناشی از فرایند تاریخی می‌داند. به طوری که باز شدن اقتصادها به بازارهای جهانی با پیشرفت فناوری در زمینه حمل و نقل و ارتباطات، توسعه نابرابر مناطق را تسریع کرد (Erkut, 2003: 8). مناطقی که دارای شرایط اولیه بهتری چون نیروی کار ماهر، منابع طبیعی، ارزش زمینی ارزان و نزدیکی جغرافیایی به مناطق پیشتاز و مرکزی بوده‌اند، سریع‌تر از دیگر مناطق توسعه پیدا کرده‌اند. در حالی که مناطق مرکزی، مراکز اقتصادی و تصمیم‌گیری شده‌اند، مناطق پیرامون، بیشتر در حال رکود قرار گرفته‌اند. این شرایط در ساختار فضایی سرزمین به شکل‌گیری الگوی مرکز-پیرامون منجر گردیده است (Erkut & Ozcen, 2003: 23). الگوی مرکز پیرامون عبارت است از دوگانگی در ساختار اقتصادی و توسعه فضایی میان مناطق. این شرایط، تحت تأثیر قطبی شدن اقتصادی، ناگزیر به قطبی شدن جغرافیایی منجر می‌شود و با افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق خاص به وجود می‌آید (Copus, 2001: 546).

مرزهای بین‌المللی کشورها، به جهت الگوی فضایی جداشده که معلول وجود مرزها می‌باشد، یکی از موانع بهبود مناطق پیرامونی هستند؛ علاوه بر این، نبود زیرساخت‌های حمل و نقل مناسب در مناطق پیرامونی و مرزی، پیشرفت این مناطق را کاهش می‌دهد. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، فرآیند یکپارچگی و همکاری‌های بین مرزی، نظم اقتصادی و توسعه فضایی مناطق مرزی را تغییر می‌دهد. شهرهای نواحی مرزی - که اغلب در مناطق پیرامونی قرار داشته و به لحاظ اقتصادی شرایط نامساعدی دارند- در اثر همکاری‌های بین مرزی، نقطه ارتباط کشورها با یکدیگر از نظر زیرساخت‌های حمل و نقل و سرمایه‌گذاری

ارتباطی هستند. همکاری بین مرزی موجب رونق، جمعیت‌پذیری و جذب سرمایه‌گذاری در این شهرها می‌گردد و اهمیت استراتژیکی این شهرها و تبدیل شدن آن‌ها را به مراکز اقتصادی آشکار می‌سازد؛ همچنین تصمیم‌گیران سیاسی را وادار می‌کند تا در روابط خود با شهرهای مرزی و پیرامونی تجدیدنظر کنند و زمینه توسعه و رشد این شهرها و مناطق پیرامونی را فراهم نمایند. در واقع این شهرها به عنوان دروازه‌های اصلی ورودی کشورها به نواحی بین‌المللی هستند و می‌توانند به مناطق ارتباطی مهمی بدل شوند (موسوی و زنگی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۳).

گردشگری

اهمیت و گوناگونی تفاسیر گردشگری، منجر شده تا تعریف واحدی از گردشگر و گردشگری وجود نداشته باشد. سازمان توریسم جهانی، گردشگر را به عنوان کسی که به مکان یا کشوری دیگر سفر می‌کند و حداقل یک‌شب (اما نه بیشتر از یک سال) را برای تفریح، کار یا اهداف دیگر سپری می‌کند، تعریف می‌نماید. اسمیت (۱۹۸۹) به جنبه مختار بودن گردشگر اشاره دارد و معتقد است که گردشگر شخصی است که داوطلبانه و ارادی و با هدف تجربه یک تغییر، از مکانی دور از محل زندگی خویش، بازدید می‌کند (Smith, 1989).

گردشگری نیز به مجموع پدیده‌ها و ارتباطات ناشی از کنش متقابل میان گردشگران، سرمایه دولت‌ها و جوامع میزبان، دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، در فرآیند جذب، حمل و نقل، پذیرایی و کنترل گردشگران و بازدیدکنندگان گفته می‌شود (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۱۲). ادوارد و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند که گردشگری صنعتی است که طیف وسیعی از محصولات و تجارب را به مردمانی که دارای طیف گسترده‌ای از

انگیزه‌ها، ترجیحات و نگرش‌های فرهنگی بوده و در یک کشاکش دیالکتیکی با جامعه میزبان درگیرند، عرضه نموده و مدیریت می‌کند. برآیند این درگیری، مجموعه‌ای از پیامدها برای گردشگر، اجتماع میزبان و صنعت است (Edwards et al, 2008: 1038). پرز کلاسکی (۱۹۹۳) معتقد است که گردشگری، مجموع پدیده‌های مربوط به جابجایی فضایی داوطلبانه، تغییر موقتی مکان، الگوی زندگی و محیط آن می‌باشد و شامل تماس شخصی با محیط طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و مکان بازدید شده است (Przeclawski, 1993).

بین منابع طبیعی و جامعه محلی و گردشگران توازن برقرار می‌شود؛ در نهایت علاوه بر بهره‌مندی از محیط‌زیست، از طریق به حداقل رساندن تأثیرات منفی بر طبیعت، به ایجاد محیط‌زیستی پایدار یاری می‌رساند (Fennell, 2000:41). در عین حال، زمینه مشارکت اقتصادی- اجتماعی جمعیت بومی را فراهم می‌آورد و به ارتقای رفاه جامعه میزبان نیز کمک می‌کند (زاهدی، ۱۳۸۵: ۸۹)؛ بنابراین پیوندهای عمیقی بین انسان، محیط‌زیست و گردشگری در الگوی اکو توریسم برقرار است که به میزان دخالت انسان‌ها در محیط‌زیست و یا حفاظت آن، پیوستار اکو توریسم در محدوده‌های جغرافیایی شکل می‌گیرد (بدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸).

پیامدهای گردشگری

طی دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه شناسایی و اثبات اثرات اقتصادی و اجتماعی_ فرهنگی و اکولوژیکی گردشگری صورت گرفته است و مدت‌های مدیدی است که موضوع اصلی در پژوهش گردشگری گشته است. طبق نظرات ماسون (۲۰۰۳) مطالعات اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی، معمولاً بر تحلیل اثرات منفی توریسم بر

اجتماعات محلی و محیط فیزیکی می‌پردازند (Mason, 2003) و برعکس، مطالعات اقتصادی، عموماً به تشریح اثرات سودمند (از قبیل قدرت تولید در آمد و ایجاد اشتغال) تمرکز دارند (Swarbrooke, 1999). در واقع، توسعه گردشگری بسان شمشیری دو لبه است: از یک سو موجبات رشد و شکوفایی را فراهم آورده و از سوی دیگر، رشد سریع و کنترل نشده آن می‌تواند ویرانگر باشد. نابودی چشم‌اندازهای طبیعی، هویت‌های محلی و فرهنگ‌های سنتی، زوال خودمختاری سیاسی و اقتصادی، تخریب محیط‌زیست و اثرات مخرب بر ارزش‌های اجتماعی، از پیامدهای منفی ناشی از توسعه بی‌برنامه این صنعت است (Fraitag, 1994; Frederico, 2002; Howie, 2003; UNESC, 2005 and) (2006). برای نمونه در سال ۲۰۰۱، گردشگری ۳/۲ درصد از کل انرژی جهان را مصرف نموده و به ۵ درصد تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های بشر کمک کرده است (Gössling, 2002, Scott, 2011; Weaver, 2011). در جدول شماره ۱ و ۲ اثرات منفی و مثبت گردشگری بر جامعه و در مقصد آورده شده است.

جدول شماره ۱: اثرات مثبت توریسم بر جامعه و در مقصد

| زیست محیطی | اجتماعی و فرهنگی | اقتصادی | Reeves, 2002) |
|--|---|--|-------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> • عامل ارتقای نظارت محیط‌زیستی جاذبه‌های بازدیدکننده | <ul style="list-style-type: none"> • عامل افزایش آگاهی و ارتقا دهنده میراث طبیعی و کالبدی، مشوق غرور مدنی و دسترسی به مکان‌های دلخواه • ایجاد کننده فرصت‌هایی برای توانمندسازی فردی و خودشکوفایی از طریق ایجاد دسترسی به طیف گسترده‌ای از تجارب آموزشی، زیست محیطی و فرهنگی | <ul style="list-style-type: none"> • مولد عظیم درآمد محلی، منطقه‌ای و ملی و مشوق سرمایه‌گذاری خارجی • ایجاد کننده فرصت‌های شغلی متنوع؛ در برخی از مناطق منبع اصلی اشتغال است | 3 4 5 (Reeves, 2002) |

| | | | |
|---|--|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • کمک‌های مالی • بهبود مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیستی • افزایش آگاهی محیط‌زیستی • محافظت و نگهداری • اشتغال بدیل • اقدامات تنظیمی | <ul style="list-style-type: none"> • توریسم به‌عنوان عاملی برای صلح • تقویت اجتماعات • تسهیلات توسعه یافته برای گردشگری می‌تواند ساکنان را منتفع سازد • احیای فرهنگ‌ها و سنن • تشویق مشارکت و غرور مدنی | <ul style="list-style-type: none"> • عواید ارز خارجی • کمک به درآمد دولت • ایجاد اشتغال • برانگیختن سرمایه‌گذاری زیرساختی • کمک به اقتصادهای محلی | در مقصد گردشگری (با اقتباس از UNEP, 2008) |
|---|--|--|---|

جدول شماره ۲: اثرات منفی گردشگری در جامعه و بر مقصد

| زیست محیطی | اجتماعی و فرهنگی | اقتصادی | در جامعه و مقصد گردشگری (با اقتباس از UNEP, 2008 و Ritchie 1987, 225) |
|--|--|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • افزایش آلودگی • افزایش نیاز به انرژی (سوخت فسیلی) • تهی‌سازی منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیستی • تغییر کاربری زمین و فشار به محیط‌زیست | <ul style="list-style-type: none"> • تعارض فرهنگی؛ برای نمونه گرایش به رفتارهای تدافعی نسبت به مناطق میزبان؛ احتمال بالای سوءبرداشت‌ها که منجر به تغییر میزان خصومت گردشگر/میزبان می‌شود • ازدحام شدید • مسائل قومیتی • تغییر یا نابودی هویت و ارزش‌های بومی | <ul style="list-style-type: none"> • وابستگی اقتصادی اجتماع محلی بر گردشگری • افزایش قیمت‌ها برای افراد بومی • کسر درآمد • هزینه زیرساختی • بهره‌کشی اقتصادی طبقه برگریده محلی | در جامعه و مقصد گردشگری (با اقتباس از UNEP, 2008 و Ritchie 1987, 225) |

پیشینه پژوهش

از آنجایی که گردشگری شهری، مردم، مکان و مصرف را گرد هم آورده و فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و تجارب و انتظارات را در هم می‌آمیزد، حوزه مهیج و گسترده‌ای برای تحقیق و تفحص فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که در طی چند دهه گذشته، پژوهش‌های متعددی درباره آن صورت پذیرفته است. تا پیش از دهه ۱۹۸۰ پژوهش در زمینه گردشگری بسیار پراکنده بود و به عنوان رشته متمایزی تلقی نمی‌گشت. اما به تدریج، کتاب‌های متعددی در

زمینه توریسم شهری به چاپ رسید که از آن جمله می توان به آثار آشورث و تون بریج (۱۹۹۹)، لاو (۱۹۹۳)، مورفی (۱۹۹۶)، جود و فینستین (۱۹۹۹) و رابرتسون (۱۹۹۸)، هایلر، گریفین و ادوارد (۲۰۰۸) اشاره نمود.

میرسنجری (۱۳۸۵) در مقاله ای با عنوان راهبرد اکو توریسم بر توسعه پایدار، اکو توریسم را به عنوان یکی از پر جاذبه ترین و در عین حال پر منفعت ترین علوم وابسته به منابع طبیعی و محیط زیست معرفی می کند و سپس عوامل لازم جهت دستیابی به اکو توریسم پایدار و سیاست گذاری و برنامه ریزی اکو توریسم را مورد بررسی قرار می دهد. محمدی ده چشمه، مصطفی و علی زنگی آبادی (۱۳۸۷) در پژوهشی جهت امکان سنجی توانمندی های اکو توریسم استان چهارمحال و بختیاری، با بهره گیری از تکنیک SWOT به ارائه راهبردهایی برای توسعه اکو توریسم در این استان می پردازند و نشان می دهند که این استان توانمندی ها و فرصت های بسیاری دارد که رشد و شکوفایی آن ها نیاز به برنامه ریزی جامع و گسترده دارد. رخشانی نسب و ضرابی (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان «چالش ها و فرصت های اکو توریسم» مسائل و فرصت های پیش روی اکو توریسم ایران را مورد بررسی قرار داده اند. بر اساس پژوهش ایشان، تنوع اقلیمی، موقعیت دریایی و ساحلی و موقعیت ژئومورفولوژیکی، از جمله فرصت ها و نبود امکانات زیربنایی در مناطق اکو توریستی، عدم درک، شناسایی و معرفی پتانسیل، مشکلات مربوط به صدور ویزا و تمرکزگرایی برنامه ریزی ها، از جمله چالش های توسعه اکو توریسم در ایران هستند. نوحه گر و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی قابلیت های طبیعت گردی جزیره ی قشم» با بهره گیری از مدل مدیریت استراتژی SWOT به ارزیابی قابلیت ها و توانمندی های جزیره ی قشم پرداخته و استراتژی حداکثر استفاده اقتصادی از ورود طبیعت-

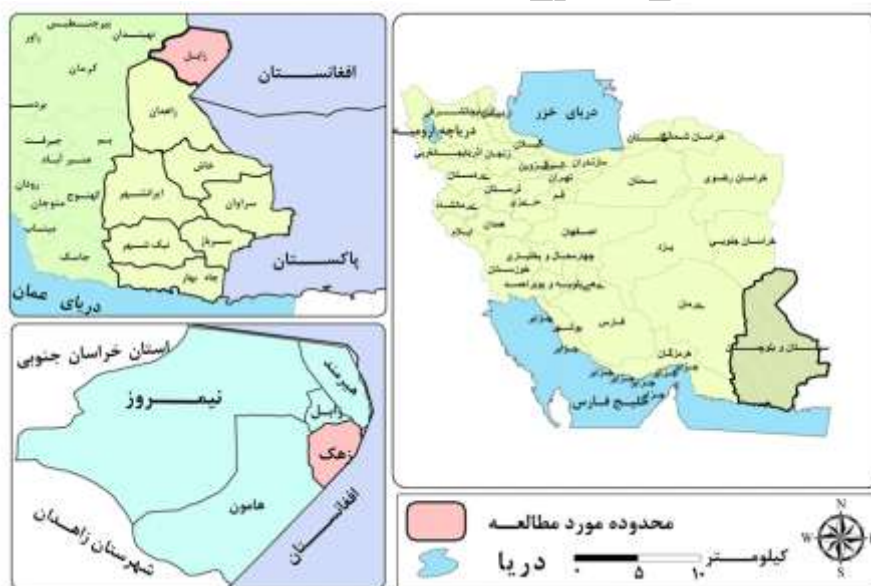
گردان با حفظ ارزش‌های جزیره را به عنوان بهترین نوع استراتژی جهت توسعه گردشگری جزیره کیش معرفی کرده‌اند. مقصودی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل و ارزیابی پتانسیل‌ها و راهبردهای توسعه اکوتوریسم در منطقه‌ی مرنجاب» نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای توسعه اکوتوریسم را با استفاده از مدل SWOT بررسی کرده‌اند؛ ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود قابلیت‌های فراوان منطقه مرنجاب، برنامه‌ریزی مناسبی جهت توسعه اکوتوریسم منطقه صورت نگرفته است و در نهایت راهبردهایی جهت ارتقای اکوتوریسم منطقه ارائه داده‌اند. ملکی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی توسعه اکوتوریسم در سکونت‌گاه‌های روستایی شهرستان دره شهر» به بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدات محدوده پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علیرغم وجود پتانسیل‌های بالقوه گردشگری در منطقه، کمبود امکانات اقامتی و رفاهی مورد نیاز گردشگران، موجب نارضایتی آنان شده و برای حل این موضوع راهکارهایی نیز ارائه گردیده است؛ مهم‌ترین آن ایجاد زیرساخت‌های جدید برای ورود گردشگران به منطقه می‌باشد. مصمم و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «فرصت‌ها و چالش‌های صنعت گردشگری در شهرستان جوانرود» با کمک مدل SWOT و QSPM عوامل داخلی و خارجی شهرستان جوانرود را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در نهایت راهبردهایی جهت توسعه صنعت گردشگری این شهر پیشنهاد داده‌اند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان زهک در شمال استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. موقعیت جغرافیایی این شهرستان در نقشه ۳۰/۸۹۴۴ درجه شمالی و ۶۷/۷۰۶۱ درجه شرقی می‌باشد. شهرستان زهک با مساحت ۹۴۵ کیلومتر مربع دارای دو بخش مرکزی و جزینک و ۴ دهستان زهک،

خواجه احمد، جزینگ و خمک و همچنین دارای ۲۰۳ آبادی است (جغرافیای انسانی استان، آخرین تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰). فاصله مرکز شهرستان تا مرکز استان ۲۱۳ کیلومتر، فاصله شهرستان تا تهران ۱۵۱۸ کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا ۴۸۳ متر می باشد. آب و هوای شهرستان زهک گرم و خشک است و از منابع آبی شهرستان می توان به رودخانه هیرمند، دریاچه هامون و چاه نیمه اشاره نمود. بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۰، جمعیت این شهرستان ۷۵۴۱۹ نفر، شامل ۱۴۳۲۴ نفر شهری و ۶۱۰۹۰ نفر روستایی برآورد شده است (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰).

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه



روش تحقیق

بخشی از داده های این تحقیق با روش کتابخانه ای، اسنادی و بخش دیگر داده ها از روش میدانی و با ابزار پرسش نامه جمع آوری گردیده و داده های آن از طریق طرح و

تدوین پرسش از ساکنان این شهرستان، نظرخواهی شده است. جهت اطمینان از روایی صوری پرسش نامه‌ها از روش نظرسنجی از اساتید صاحب نظر استفاده شده است. به منظور سنجش میزان پایایی پرسش نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید و مقدار آن بین ۷۸٪ تا ۸۶٪ بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل سه گروه مردم، کارشناسان و گردشگران است. گروه اول - که شهروندان شهر زهک (سرپرستان خانوار) هستند - با تقسیم محل‌های شهر و با تعیین میزان جمعیت هر محله و سهم نسبی جمعیتی آن، تعداد ۱۲۵ خانوار به عنوان نمونه با روش خوشه‌ای انتخاب گردید. گروه دوم کارشناسان آشنا با مسائل گردشگری شهر هستند؛ از جمله شهردار و کارشناسان شهرداری (۴ نفر)، بخشداری (۲ نفر)، اعضای شورای اسلامی شهر (۲ نفر) و تعدادی از کارشناسان معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان (۴ نفر) که در مجموع ۱۲ نفر - که شامل تمام کارشناسان مرتبط با گردشگری و شهر هستند - با روش نمونه‌گیری هدفمند منتخب پژوهشگران تحقیق بودند. گروه سوم جامعه آماری گردشگرانی هستند که در یک ماهه اول سال ۱۳۹۴ وارد شهر سلطانیه شده و از آثار تاریخی و طبیعی این شهر دیدن کرده‌اند. با استفاده از نمونه‌گیری غیراحتمالی ساده و آسان، ۴۰ گردشگر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، از آزمون تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

جدول شماره ۳: شاخص‌های مورد مطالعه

| اقتصادی | جغرافیایی و محیطی | اجتماعی - فرهنگی | کالبدی - فیزیکی | مدیریتی و برنامه‌ریزی |
|-------------------------|--------------------------|--|---|---|
| - عدم اشتغال‌زایی مناسب | - مرزی بودن و کاهش امنیت | - نبود تبلیغات و اطلاع‌رسانی مناسب برای گردشگران | - ناکافی بودن امکانات رفاهی و اقامتی - نامناسب بودن | - نبود برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح برای گردشگری |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| گردشگری | بیشتر روزها در طول سال | - نبود راهنمای تور آگاه به توانمندی‌های گردشگری و ارائه آن به گردشگران به‌ویژه خارجی‌ها | زیرساخت‌های محیطی و کالبدی | پایدار |
| - پایین بودن سطح درآمد و زندگی مردم | - وزش بادهای محلی و مرزی بودن با بادهای محلی سیستان | - میزان زیاد بی‌سوادی ساکنان | مناسب به آثار تاریخی موجود | - کمبود حجم برنامه‌های صداوسیما در موضوع گردشگری |
| - اقامت کوتاه مدت گردشگران | - شیب بسیار کم در سطح شهر و زهکشی نامناسب | - برخورد نامناسب ساکنان با گردشگران | - نامناسب بودن تپ و منظر شهر | شهرستان در سطح استانی و ملی |
| - فقدان منابع قابل اعتماد در توسعه گردشگری | | - عدم آگاهی ساکنان نسبت به اهمیت گردشگری | - نداشتن ورودی جذاب و دلپذیر برای هدایت گردشگران | - نبود همگرایی عمومی در بین مسئولان نسبت به گردشگری منطقه و استان |
| - کمبود سرانه نگهداری اماکن تاریخی و فرهنگی | | | بهداشتی عمومی در سطح شهر | - دورافتادگی از مرکز استان و به‌نوعی کم‌توجهی مسئولان شهرستان |
| - عدم بهره‌برداری و جذب قابلیت‌های حوزه نفوذ برای توسعه | | | - محدودیت ارتفاعی - عدم رعایت سلسله‌مراتب شبکه‌های دسترسی | - نبود آمارهای دقیق و قابل اعتماد |
| | | | | - انزوا گزینی منطقه به دلیل توسعه‌نیافتگی |
| | | | | - کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده و متخصص در بخش گردشگری |

یافته‌ها

نظر پاسخ‌دهندگان با عنایت به پنج بعد و ۲۹ شاخص مربوط به آن‌ها در رابطه با موانع توسعه گردشگری در شهرستان مورد مطالعه، در ادامه ذکر شده است. در تحلیل داده‌های

گردآوری شده با استفاده از پرسش‌نامه، از تکنیک عاملی استفاده شده و با توجه به جدول شماره ۴ نتایج نشان می‌دهند که مقدار KMO معادل ۰/۷۹۸ و آزمون بارتلت (۳ e ۲/۱۸۴) می‌باشد و سطح معناداری آن‌ها ۰/۰۰ درصد بوده که مبین مناسب بودن داده‌ها جهت رسیدن به هدف مورد نظر می‌باشد.

جدول شماره ۴: آزمون بارتلت و مقدار KMO

| | |
|--------------|---------|
| KMO | ۰/۷۹۸ |
| آزمون بارتلت | ۳۵۲/۱۸۴ |
| تعداد | ۱۷۱ |
| سطح معناداری | ۰/۰۰ |

با توجه به همین تکنیک تحلیل عاملی ۲۹ شاخص در پنج نوع معیار طبقه‌بندی شده‌اند که بر این اساس، در مجموع رقم ۶۴/۲۵ درصد از واریانس به دست آمده است و مقادیر آن در جدول شماره ۵ ذکر شده است.

جدول شماره ۵: عامل‌های دوران یافته

| فاکتورها | مقدار ویژه | درصد واریانس | واریانس جمعی |
|----------------------|------------|--------------|--------------|
| اجتماعی-فرهنگی | ۳/۹۲ | ۱۶/۴۵ | ۱۷/۴۵ |
| اقتصادی | ۳/۵۲ | ۱۴/۰۶ | ۳۱/۵۱ |
| کالبدی-فضایی | ۲/۵۹ | ۱۱/۰۷ | ۴۲/۵۸ |
| مدیریت و برنامه‌ریزی | ۲/۱۲ | ۱۲/۱۳ | ۵۴/۷۱ |
| جغرافیایی و محیطی | ۱/۹۱ | ۱۰/۵۴ | ۶۴/۲۵ |

عامل اجتماعی - فرهنگی

عامل اول بر اساس جدول شماره ۵ عامل اجتماعی - فرهنگی می‌باشد که ۱۶/۴۵ درصد از واریانس مربوط به چالش‌های توسعه را به خود اختصاص می‌دهد و ۵ شاخص را در بر

می‌گیرد. در این بعد بیشترین همبستگی مربوط به شاخص نبود تبلیغات و اطلاع‌رسانی مناسب برای گردشگران به میزان ۰/۸۹ است در مقابل کمترین میزان همبستگی مربوط به شاخص برخورد نامناسب ساکنان با گردشگران به میزان ۰/۷۸ می‌باشد. سایر شاخص‌های عامل به همراه همبستگی آن‌ها در جدول شماره ۵ ذکر شده است.

جدول شماره ۵: شاخص اجتماعی - فرهنگی

| شاخص | متغیر | همبستگی |
|------------------|---|---------|
| اجتماعی - فرهنگی | نبود تبلیغات و اطلاع‌رسانی مناسب برای گردشگران | ۰/۸۹ |
| | نبود راهنمای تور آگاه به توانمندی‌های گردشگری و ارائه آن به گردشگران به‌ویژه خارجی‌ها | ۰/۸۴ |
| | میزان زیاد پی‌سواد ساکنان | ۰/۷۹ |
| | برخورد نامناسب ساکنان با گردشگران | ۰/۷۸ |
| | عدم آگاهی ساکنان نسبت به اهمیت گردشگری | ۰/۷۹ |

عامل اقتصادی

عامل دوم بر اساس جدول شماره ۶ عامل اقتصادی می‌باشد که ۱۴/۰۶ درصد از واریانس مربوط به چالش‌های توسعه شهرستان زهک را به خود اختصاص داده است و ۶ شاخص را در بر می‌گیرد. در این عامل بیشترین همبستگی مربوط به شاخص‌های عدم اشتغال‌زایی مناسب گردشگری و فقدان منابع قابل‌اعتماد در توسعه گردشگری با مقدار ۰/۸۳ می‌باشد. در مقابل، کمترین میزان همبستگی مربوط به شاخص کمبود سرانه نگهداری اماکن تاریخی و فرهنگی با مقدار ۰/۶۹ است. سایر شاخص‌های این عامل به همراه همبستگی آن‌ها در جدول شماره ۶ ذکر شده است.

جدول شماره 6: شاخص اقتصادی

| شاخص | متغیر | همبستگی |
|--------------|---|---------|
| عامل اقتصادی | عدم اشتغال‌زایی مناسب گردشگری | ۰/۸۳ |
| | پایین بودن سطح درآمد و زندگی مردم | ۰/۸۱ |
| | اقامت کوتاه مدت گردشگران | ۰/۷۹ |
| | فقدان منابع قابل اعتماد در توسعه گردشگری | ۰/۸۳ |
| | کمبود سرانه نگهداری اماکن تاریخی و فرهنگی | ۰/۶۹ |
| | عدم بهره‌برداری و جذب قابلیت‌های حوزه نفوذ برای توسعه | ۰/۷۶ |

عامل کالبدی - فضایی

عامل سوم بر اساس جدول شماره ۷ عامل کالبدی- فضایی می‌باشد که ۱۱/۰۷ درصد از واریانس مربوط به چالش‌های توسعه را به خود اختصاص داده است و ۸ شاخص را در بر می‌گیرد. در عامل کالبدی- فضایی، بیشترین همبستگی مربوط به شاخص ناکافی بودن امکانات رفاهی و اقامتی با مقدار ۰/۸۵ بوده است. در مقابل، کمترین همبستگی مربوط به شاخص عدم رعایت سلسله‌مراتب شبکه‌های دسترسی با مقدار ۰/۶۹ است. شاخص‌های این عامل به همراه همبستگی آن‌ها در جدول شماره ۷ ذکر شده است.

جدول شماره 7: شاخص کالبدی- فضایی

| شاخص | متغیر | همبستگی |
|----------------------|--|---------|
| کالبدی - فضایی | ناکافی بودن امکانات رفاهی و اقامتی | ۰/۸۵ |
| | نامناسب بودن زیرساخت‌های محیطی و کالبدی | ۰/۷۲ |
| | نبود راه دسترسی مناسب به آثار تاریخی موجود | ۰/۷۹ |
| | نامناسب بودن تپ و منظر شهر | ۰/۷۶ |
| | نداشتن ورودی جذاب و دلپذیر برای هدایت گردشگران | ۰/۷۷ |
| | کمبود سرویس‌های بهداشتی عمومی در سطح شهر | ۰/۷۹ |

| | | |
|------|---------------------------------------|--|
| ۰/۷۹ | محدودیت ارتفاعی | |
| ۰/۶۹ | عدم رعایت سلسله مراتب شبکه‌های دسترسی | |

عامل مدیریت و برنامه‌ریزی

عامل چهارم بر اساس جدول شماره ۸ مدیریت و برنامه‌ریزی می باشد که ۱۲/۱۳ درصد از واریانس مربوط به چالش‌های توسعه را به خود اختصاص داده است و شامل ۷ شاخص می‌شود. در این عامل، بیشترین همبستگی مربوط به شاخص نبود برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح برای گردشگری پایدار با مقدار ۰/۹۲ است؛ در مقابل، کمترین همبستگی مربوط به شاخص کمبود نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص در بخش گردشگری با مقدار ۰/۵۴ می‌باشد. سایر شاخص‌های این عامل به همراه همبستگی آن‌ها در جدول شماره ۸ ذکر شده است.

جدول شماره ۸: شاخص مدیریت و برنامه‌ریزی

| شاخص | متغیر | همبستگی |
|----------------------|--|---------|
| مدیریت و برنامه‌ریزی | نبود برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح برای گردشگری پایدار | ۰/۹۲ |
| | کمبود حجم برنامه‌های صداوسیما در موضوع گردشگری شهرستان در سطح استانی و ملی | ۰/۹۰ |
| | نبود همگرایی عمومی در بین مسئولان نسبت به گردشگری منطقه و استان | ۰/۷۸ |
| | دور افتادگی از مرکز استان و به نوعی کم‌توجهی مسئولان شهرستان | ۰/۷۵ |
| | نبود آمارهای دقیق و قابل اعتماد | ۰/۶۳ |
| | انزوا گزینی منطقه به دلیل توسعه نیافتگی | ۰/۶۶ |
| | کمبود نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص در بخش گردشگری | ۰/۵۴ |

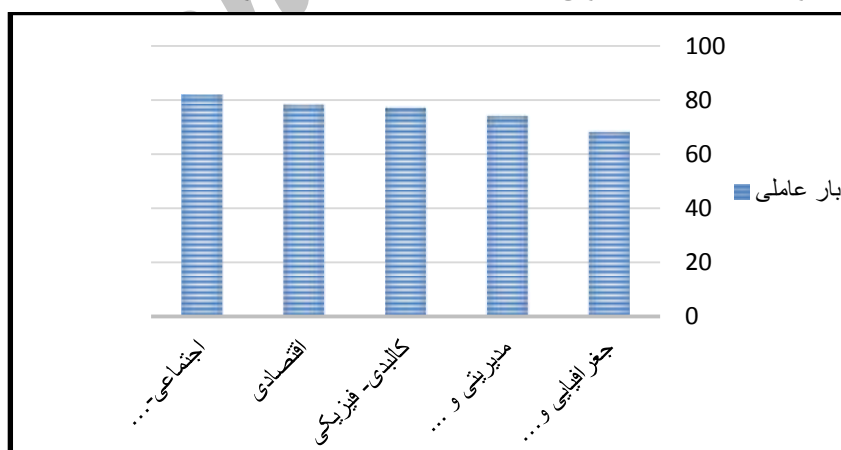
عامل جغرافیایی و محیطی

عامل پنجم بر اساس جدول شماره ۹ جغرافیایی و محیطی می باشد که ۱۰/۵۴ درصد از واریانس مربوط به چالش های توسعه را به خود اختصاص داده است و ۴ شاخص را در بر می گیرد. در این عامل بیشترین همبستگی مربوط به شاخص مرزی بودن و کاهش امنیت با مقدار ۰/۷۸ است؛ در مقابل، کمترین همبستگی مربوط به شاخص شیب بسیار کم در سطح شهر و زهکشی نامناسب با مقدار ۰/۶۰ می باشد. سایر شاخص های این عامل به همراه همبستگی آن ها در جدول شماره ۹ ذکر شده است.

جدول شماره ۹: شاخص جغرافیایی و محیطی

| شاخص | متغیر | همبستگی |
|-------------------|---|---------|
| جغرافیایی و محیطی | مرزی بودن و کاهش امنیت | ۰/۷۸ |
| | آفتابی بودن بیشتر روزها در طول سال | ۰/۶۹ |
| | وزش بادهای محلی و مرزی بودن با بادهای محلی سیستان | ۰/۶۶ |
| | شیب بسیار کم در سطح شهر و زهکشی نامناسب | ۰/۶۰ |

نمودار شماره ۱: درصد موانع و چالش های گردشگری منطقه مورد مطالعه از نظر شاخص ها



بحث و نتیجه گیری

صنعت گردشگری در عرصه نوین جهانی، یکی از راه‌های تنوع بخشیدن به اقتصاد و افزایش شاخص‌های توسعه انسانی، افزایش بهره‌وری و کارآمدی نیروی انسانی، اشتغال‌زایی، تعامل فرهنگ‌ها و حفظ محیط‌زیست است. اقتصاددانان به دلیل نقش بارز آن در توسعه اقتصادی- اجتماعی کشورها، از آن به‌عنوان صنعت نامرئی نام برده‌اند. امروزه هرچند در نتیجه توسعه فناوری و ارتباطات، تغییراتی در زمینه گردشگری در سکونت‌گاه‌های شهری به وجود آمده و موجب بهبود نسبی شرایط زندگی ساکنان شده، ولی نکته مهم این است که راهی طولانی برای رسیدن به توسعه بیشتر گردشگری در پیش رو است و موانع زیادی در این زمینه وجود دارد. البته این موانع در شهرهای مرزی بیشتر است و این امر سبب شده است که ناپایداری و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی بیش از سایر نواحی ایران باشد. لذا دگراندیشی در ارتقای توسعه این مناطق، جهت تثبیت جمعیت و ایجاد پایداری امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین یکی از راهبردهای مهم در این زمینه می‌تواند توسعه گردشگری به عنوان یک صنعت نوپا و سازگار با محیط‌زیست باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل و بررسی موانع توسعه گردشگری در شهرستان زهک، انجام گردیده است.

نتایج نشان می‌دهد که شهر مرزی زهک با چالش‌های عمده‌ای در حوزه‌های مختلف یادشده، روبه‌رو می‌باشد. از مهم‌ترین چالش‌های توسعه گردشگری محدودۀ مورد مطالعه، به ترتیب اولویت می‌توان در بخش اجتماعی- فرهنگی (بار عاملی ۰/۸۱۸٪) به نبود تبلیغات و اطلاع‌رسانی مناسب برای گردشگران، در بخش اقتصادی (بار عاملی ۰/۷۸٪) به عدم اشتغال‌زایی مناسب گردشگری در شهرستان، در بخش کالبدی- فیزیکی (بار عاملی ۰/۷۷٪)

به ناکافی بودن امکانات رفاهی و اقامتی شهرستان، در بخش مدیریتی و ساختاری (بار عاملی ۰/۷۴٪) به نبود برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح برای گردشگری پایدار و در نهایت در بعد جغرافیایی و محیطی (بار عاملی ۰/۶۸٪) به مرزی بودن شهرستان و کاهش امنیت اشاره کرد. بنابراین، برای رسیدن به توسعه مطلوب گردشگری در محدوده مورد مطالعه، پیشنهادهایی نیز به صورت ذیل طرح گشته که عبارتند از:

- ارتقای سیستم حمل و نقل کارا و ایمن، به ویژه سیستم حمل و نقل عمومی.
- گسترش رشته‌های توریسم و گردشگری در مراکز آموزشی محدوده مورد مطالعه، جهت شناسایی نقاط قوت و بهبود نقاط ضعف در این مورد (شناساندن جاذبه‌های گردشگری: طبیعی، مذهبی، فرهنگی، ...).
- ایجاد و ارتقای تسهیلات خدماتی و بهداشتی.
- توسعه تسهیلات اقامتی و رفاهی.
- خدمات‌رسانی دولت در زمینه امور زیربنایی.
- فرهنگ‌سازی و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست توسط گردشگران.
- معرفی و تبلیغ صنایع دستی، مشاغل سنتی و جاذبه‌های گردشگری شهرستان.

فهرست منابع

- الوانی، سید مهدی و پیروز نوبخت، معصومه. (۱۳۸۵). فرآیند مدیریت جهانگردی. تهران: انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.
- بهروز، عارف. (۱۳۹۲). بررسی نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدید صنعت گردشگری ایران با تأثیرگذاری بر تولید ملی اشتغال با تکنیک (SWOT)، اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی.

- حسین پور، حامد، فهیم دوین، حسن و ادیال باف مقدم، ریحانه. (۱۳۹۳). بررسی موانع گرایش گردشگران ورزشی کشتی با چوخه به جاذبه‌های طبیعی ورزشی و گردشگری شهرستان اسفراین. مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۳۲، صص ۶۷-۷۸.
- زنگی آبادی، علی، کهزادی، اسفندیار، بایزیدپور، هیمن و رستمی پور، طاهره. (۱۳۸۹). گردشگری روستایی، راهکاری مناسب در جهت توسعه پایدار منطقه‌ای (مطالعه موردی استان کردستان)، همایش منطقه‌ای توریسم و توسعه، یاسوج.
- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰.
- صرافی، مظفر. (۱۳۷۷). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- قادری، اسماعیل، عزتی، عزت‌الله و حسین پور، شکوفه. (۱۳۹۱). بررسی توسعه گردشگری روستایی در بخش آسارا شهرستان کرج. نشریه جغرافیایی سرزمین، فصلنامه علمی و پژوهشی. سال هشتم، شماره ۳۱. پاییز ۱۳۹۱. صص ۱۴-۱.
- کرمی دهکردی، میرکزاده، مهدی، غیاثوند، علی اصغر و غیاثی، فرشته. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری روستایی از دیدگاه روستاییان استان چهارمحال و بختیاری. مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی.
- محسنی، علی‌رضا. (۱۳۸۸). گردشگری پایدار: کارکردها، چالش‌ها و راهکارها. نشریه فضای جغرافیایی، علمی و پژوهشی. سال نهم، شماره ۲۸. زمستان ۱۳۸۸. صص ۱۷۱-۱۳۹.
- مصمم، حسن، حیدری، سامان، مرادی، ابوالفضل و آقایی، پرویز. (۱۳۹۴). تحلیلی بر فرصت‌ها و چالش‌های توسعه صنعت گردشگری شهر جوانرود. مجله آمایش و توسعه. شماره دوم.
- موسایی، میثم، هاشمی، سمیه و ابراهیمی، میترا. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی توسعه پایدار گردشگری در ایران؛ موانع، چالش‌ها، راهکارها. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد شوشتر. سال ششم، شماره ۱۶. صص ۵۰-۲۵.

- موسوی، میر نجف و زنگی آبادی، علی. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه شهرهای مرزی (مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی) مشهد: انتشارات سریعہ توس.
- مهدیان بروجنی، محسن و احمدوند، مصطفی. (۱۳۹۳). واکاوی موانع و چالش‌های توسعه گردشگری روستایی در منطقه دنا، دیدگاه جامعه میزبان. نشریه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای. شماره ۱۰. صص ۱۲۸-۱۱۳.
- نوری، جعفر. (۱۳۸۹). امکان‌سنجی جذب اکوتوریسم در مناطق کویری (مطالعه موردی: تله کابین طرزجان). نشریه فضای جغرافیایی، مجله علمی- پژوهشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر. سال دهم، شماره ۳۲.
- Copus, K.A, (2001), Form Core-periphery to Polycentric Development Concept of Spatial and A spatial Peripherally, European Planning Studies, Vol.9, No. 4,
- Edwards, D., Griffin, T. & Hayllar, B. (2008). Urban tourism precincts: an overview of key themes and issues. in: D. (Eds). City Spaces – Tourist Places: Urban Tourism Precincts, Elsevier, UK.
- Erkut, G & Ozgen, C(2003), The economic and spatial peripherally of border regions in South Eastern Europe, The 43rd European Congress of the Regional Science Association, Jyvaskyla, Finland, 27th -30th August.
- Frederico, N. (2002). Sustainable Tourism, Environmental Protection, and Natural Resource Management: Paradise on Earth? Paper submitted to the International Colloquium on Regional Governance and Sustainable Development in Tourism-driven Economics, Cancun, Mexico.
- Hansen, N. (1983). International cooperation in border regions: An overview and research agenda. International Regional Science Review, 8(3), 255-270.

- Hansen, N. M. (1975). An evaluation of growth-center theory and practice. *Environment and Planning A*, 7(7), 821-832.
- Howie, F. (2003). *Managing the Tourist Destination*. Midsomer Norton, Bath: Bookcraft Ltd.
- Management Conference. Pp. 1014-1025.
- Mason, P. (2003). *Tourism Impacts, Planning and Management*. Oxford and Burlington, MA: Butterworth Heinemann.
- Przeclawski, Krzysztof (1993). Tourism as the subject of interdisciplinary research. In: Pearce, Douglas G. & Butler, Richard W. (1993). *Tourism Research, Critiques and Challenges*, Routledge, London.
- Robinson, M. (1999). Is cultural tourism on the right track? The UNESCO Courier, http://www.unesco.org/courier/1999_08/uk/dossier/intro11.htm (accessed 15 April 2014) IN Robinson, M. (1999). Collaboration and Cultural Consent: Refocusing Sustainable Tourism. *Journal of Sustainable Tourism*, Vol. 7, No.s 3&4
- Scott, D. (2011). Why sustainable tourism must address climate change. *Journal of Sustainable Tourism*, 19(1), 17-34.
- Sharpley, R. (2000). Tourism and Sustainable Development: Exploring the Theoretical Divide. *Journal of Sustainable Development*, 8(1), 1-9.
- Smith, R. A. (1989). *Conflicting Impacts of Tourism Development in Developing Countries*. Appendix A in The Doctoral Dissertation. Harvard Business School of Design.
- Smith; Valene L. (ed.) (1989). *Hosts and Guests, The Anthropology of Tourism*. University of Pennsylvania Press
- Swarbrooke, J. (1999). *Sustainable Tourism Management*. New York: CABI Publishing.
- The World Travel & Tourism Council (WTTC). (2014). *Travel & Tourism Economic Impact 2014*.

- United Nations Economic and Social Council (UNESCO). (2005). Major Issues in Tourism Development in the Asian and Pacific Region: Enhancing the Role of Tourism in Socio-Economic Development and Poverty Reduction. Reported at high-level intergovernmental meeting on sustainable tourism development, 7–9 December, 2005, Bali, Indonesia.
- United Nations Economic and Social Council (UNESCO). (2006). Key Development and Activities at the Regional Level: Managing Globalization. Reported at high-level intergovernmental meeting on sustainable tourism development, 6–12 April, 2005, Jakarta, Indonesia.
- UNWTO. (2012). Global Report on City Tourism. P, 9.
- Weaver, D. (2010). Indigenous tourism stages and their implications for sustainability. *Journal of Sustainable Tourism*, 18(1), 43-60.
- WTTC. (2012b). *Travel & Tourism: Economic Impact 2012 World*. London, UK.

Archive of SID